

## وبلاگ نویس ، وائل عباس: افشاگر فساد در مصر

وائل عباس به عنوان یک وبلاگ نویس از اینترنت برای آگاهی رسانی در مورد نقض حقوق بشر و قساوت پلیس در مصر استفاده می کند. او به خاطر عرضه فیلم های مستند مربوط به شکنجه در ایستگاه های پلیس شهرت یافته است. عرضه یکی از این ویدیوها به محاکمه بی سابقه و محکومیت و احکام زندان برای متهمان منجر شد.

### بینش و انگیزه



حسنى مبارك از هنگامى كه در سال ۱۹۸۱ در مصر قدرت را به دست گرفت كنترل سختى را بر اين کشور اعمال كرد. بنا به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر با گذشت زمان، مبارك به "نماد يك حاكم اقتدارگرای عرب تبدیل شده و بر نظامى حكومت مى كند كه مخالفان در آن محدود و زندانى مى شوند و شکنجه در آن شایع است."<sup>[1]</sup> در این شرایط، اینترنت یکی از معدود وسایلی بود که مصریان برای بیان نظرات خویش در اختیار داشتند.

نارضاىی از رژیم مبارك در اواخر سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید؛ حكومت داشت برای برگزاری انتخابات ریاست جمهورى آماده مى شد اما همه مى دانستند كه مبارك دوره ریاست جمهورى دیگرى را نیز از آن خویش خواهد كرد. جنبش های مدنى ریشه دار مثل كفايه یا جنبش مصر برای تغییر شكل گرفت و اعتراضات خویش علیه مبارك را آغاز كردند. اما رسانه های مصر جرات پوشش خبرى این رخدادها را نداشتند و به این دلیل، مردم تا حد زیادى از این بسیج رو به رشد مدنى بی اطلاع نگاه داشته شدند.

بنا به گفته وائل عباس، "این زمانی بود که ما وبلاگ نویس هاها تصمیم گرفتیم امور را به دست خودمان بگیریم. ما به حق مردم برای دانستن باور داشتیم." [2] او با نارضایتی از وضعیت انفعالی مطبوعات در گزارش مسائل سیاسی و اجتماعی مورد توجه در مصر، وبلاگی به نام بیداری مصر پایه گذاری کرد و آن را با عکس‌ها و ویدیوهای خود از اعتراض‌ها انباشت. او برخلاف اکثر وبلاگ نویسان مصر تفاسیر خود را به توضیح کوتاهی در مورد عکس‌ها محدود کرد چون بر این باور بود که "می توان کتابی پر از دروغ نوشت اما یک عکس کل داستان را با صداقت بیان می کند." [3]

عباس می خواست فقط به مصریان اطلاع رسانی کند، بدون تلاش برای هدایت آنان به یک جهت گیری ایدئولوژیک خاص. عباس با رد جنبش‌های سیاسی موجود در کشور و تلاش آنان برای دستکاری مصریان بر این باور بود که "شهروند به آگاهی نیاز دارد؛ او نیاز دارد که همه چیز را در مورد همگان بداند، چون در نهایت او کسی است که باید در مورد خوبی و بدی افراد تصمیم بگیرد." [4]

## اهداف و مقاصد



عباس در دوران وبلاگ نویسی‌اش اهداف خود را فراموش نکرد: "ماموریت من ارتباط گیری با مردم [و] تحرک بخشی به آن هاست. هدف آشنا کردن مردم با حقوق خود است. من می خواهم مصریان تحصیل نکرده بدانند که زدن [پس گردنی، کاری که پلیس با مظنونان می کند] پذیرفته نیست. اگر بتوانم این کار را انجام دهم همین کافی است." [5]

عباس در وبلاگ خود به افزایش آگاهی در مورد سرکوب اعتراضات سیاسی توسط حکومت، آزار جنسی در قاهره، تقلب در انتخابات، شکنجه و حمله به مخالفان سیاسی و حوادث وحشتناک ناشی از قساوت پلیس پرداخت. او می گوید با این کارها "آنچه را که دنبال می کنم تغییر کشور به سمت و سوی دموکراسی و به رسمیت شناختن حقوق اساسی شهروندان است. بدین ترتیب تمرکز من بر آگاهی دادن به مردم در مورد آن چه می گذرد، است و کمک به آن‌ها در درک حقوق خود." [6]

عباس به دنبال یک مصر دموکراتیک است که در آن آزادی‌ها و حقوق مدنی مورد احترام هستند. او می گوید: "من یک مصری معمولی هستم که می خواهد کشورش بهتر باشد. من می خواهم تحول قدرت، دموکراسی، آزادی و آزادی بیان و عقاید را ببینم." [7] در آن زمان او به عنوان یکی از مخالفان اخوان المسلمین امکان به قدرت رسیدن آن‌ها در یک مصر دموکراتیک را به رسمیت می شناخت. به نظر وی: "به همین دلیل است که به کار در این سطوح باور دارم، یعنی دفاع از

دموکراسی در حالی که به مردم برای انتخاب درست در شرایط دموکراتیک واقعی آگاهی داده شود. به همین دلیل وبلاگم را بیداری مصر نام گذاشتم.<sup>[8]</sup>

رهبری

“ ماموریت من ارتباط گیری با مردم و تحرک بخشی به آنهاست. هدف آشنا کردن مردم با حقوق خود است، من می خواهم مصریان تحصیل نکرده بدانند که زدن (پس گردنی، کاری که پلیس مصر با مضمونان می کند) پذیرفتنی نیست. اگر بتوانم این کار را انجام دهم همین کافی است. - وائل عباس

عباس به یکی از رهبران فضای وبلاگ نویسی در مصر تبدیل شده اما همیشه به دنبال این گونه خواسته‌های مدنی نبوده است. او در حالی که دوره کارشناسی خود را در دانشگاه عین شمس در رشته زبان انگلیسی در اوایل دهه ۱۹۹۰ به پایان می برد، هرگز از لحاظ سیاسی در دانشگاه فعال نبود. پس از تولد اینترنت بود که عباس کار خود را به عنوان یک فعال مدنی آغاز کرد. او با نوشتن برای یک وبلاگ گروهی با عنوان "صدای مردم" آغاز کرد. نویسندگان این وبلاگ از اینترنت برای بحث در مورد مسائل سیاسی، مذهبی و اجتماعی مصر استفاده کردند. او در سال ۲۰۰۴ وبلاگ "بیداری مصر" را با این سر خط راه انداخت: "با خواست دارنده این وبلاگ که برای کسی کار نمی کند."<sup>[9]</sup>

عباس در کار وبلاگ نویسی خود برای حفظ اعتبار خویش به سختی کار کرده است. او به همین ترتیب بر استقلال خویش تأکید می کند با این توضیح که "من به هیچ حزب یا ایدئولوژی تعلق ندارم. ... من برخی از ایده‌های مارکسیستی را خوب می دانم، برخی ایده‌های اسلامی نیز خوب هستند، برخی ایده‌های لیبرال نیز به نظر من مقبول هستند."<sup>[10]</sup> عباس تا حد زیادی بر شواهد مستند و خام تکیه دارد و به دیگران توصیه می کند که "همیشه تلاش کنید آنچه را که می گوئید با عکس و ویدیو ... چند رسانه‌ای مستند سازید. این به شما مشروعیت بیشتری می بخشد."<sup>[11]</sup>

فراتر از آن، بخش عمده اعتبار وی ناشی از استحکام و تعهد روزنامه نگارانه وی به شفافیت است؛ به عنوان مثال هنگامی که او به ارتکاب جرم متهم شد، در مقابل نسخه ای از عدم سوء پیشینه خود را در وبلاگش گذاشت تا همه ببینند.<sup>[12]</sup>

عباس هر گونه تلاش جهت ارائه راه حل برای مشکلات روزمره‌ای را که وی در پی افزایش آگاهی در مورد آن هاست، رد می کند. عباس با توضیح رهیافت خویش به تحسین چارلز دیکنز می پردازد، چون او به افزایش آگاهی در مورد مشکلات اجتماعی در بریتانیا پرداخت و هیچ گاه راه حلی ارائه نکرد، گرچه نوشته‌های وی زمینه را برای اصلاح جامعه فراهم کرد.<sup>[13]</sup> عباس می گوید: "من پاسخی ندارم. من فقط می توانم به مشکل اشاره کنم... برای مردم تا خود آن ها را حل کنند."<sup>[14]</sup>



رژیم مصر فضای محدودی برای فعالیت فعالان سیاسی و اجتماعی و مخالفان باز گذاشته بود که این امر به وبلاگ نویسان کشور امکان ایفای نقش پیشتانز در فضای وبلاگ نویسی سیاسی در دنیای عرب را می داد. اما در سال ۲۰۰۹ مصر توسط کمیته حمایت از روزنامه نگاران به عنوان یکی از ده کشور بالای فهرست کشورهایی معرفی شد که "برای وبلاگ نویسان خطرناک ترین فضای کار هستند." [15] مقامات مسئول بسیاری از وبلاگها را مسدود نمی کردند اما به ارعاب، آزار و بازداشت گسترده وبلاگ نویسهها می پرداختند. به خاطر این فضای سرکوب (نگاه کنید به گزارش خانه آزادی در مورد آزادی اینترنت در مصر)، عباس می گوید "خود را همیشه در شرایط تهدید احساس می کنم." [16]

بنا به گفته عباس، وبلاگ او مرتباً هک شده و یک بار آن چنان با شدت مورد حمله قرار گرفت که تا سه روز دسترسی به آن ممکن نبود. [17] اما رژیم مصر پایگاههای اینترنتی را کاملاً مسدود نمی کرد؛ به جای آن، بنا به گفته وی "آن ها راههای دیگری برای حمله به وبلاگها دارند، [مثل] گزارش آن ها به میزبانان سایتها با گفتن این که آن ها مطالب نامناسب بسیاری دارند. آن ها این کار را با حساب یوتیوب، فیس بوک و پیام الکترونیکی من کردند- آن ها چندین بار پیام الکترونیکی من را مسدود کردهاند." [18]

تجربه عباس با سرکوب حکومتی در سال ۲۰۰۶ در طی موجی از بازداشتهای فعالان اینترنتی مصر آغاز شد؛ عباس را احضار و مدارک دیجیتال وی را جمع آوری کردند. او به اسکندریه گریخت و هفته بعد وقتی که وکیلش به او گفت اوضاع آرام است بازگشت. [19] وقتی توجه جهانی به او از طریق وبلاگ نویسی اش جلب شد مقامات دولتی مصر نیز به او حساس شدند. رژیم با پخش شایعات دروغ توسط متحدان حکومت که به نحوی محاسبه شده به مخدوش کردن اعتبار وی در میان مردم مصر مشغول بودند، به ترور شخصیت وی پرداخت. یکی از مقامات بالای دولت در یکی از شبکههای ماهواره ای گفت که عباس دارای سو سابقه کیفری است؛ یکی از روزنامههای هوادار دولت او را به نشر دروغ و "تخیلات بیمارگونه" متهم کرد؛ و شایعات اینترنتی مبنی بر تغییر مذهب وی به مسیحیت یا همجنسگرایی منتشر شد. [20]

نیروهای امنیتی برای تلفن وی شنود گذاشتند و به طور فزایندهای تماس های تلفنی آزار دهنده با وی برقرار کرده و او را به تله گذاری تهدید می کردند، با افزودن این که "قانون را فراموش کن. قانون خود ماییم. روزی که به دست ما بیفتی برای نجات فریاد خواهی کرد و خواهی گریست." [21]

دستگاه امنیتی دولت، عباس را مکرراً مورد آزار قرار داده است؛ در سال ۲۰۰۹ او دو بار در فرودگاه قاهره بازداشت شد و در رخدادهای دوم ده ساعت توسط ماموران نگاه داشته شد و کامپیوتر وی به طور غیر قانونی ضبط شد. [22] در آوریل همان سال، یک افسر پلیس و برادرش به زور وارد خانه عباس شدند، به او و مادرش حمله کردند و یکی از دندانهایش

را شکستند.<sup>[23]</sup> عباس رسماً شکایت کرد اما این امر به دلیل "غیر کافی بودن شواهد" مورد تحقیق واقع نشد، در حالی که اسناد پزشکی و تصاویر مربوط به جراحات عباس وجود داشت.

[24]

بعد از آن در دسامبر، زمانی که عباس خارج از کشور بود، پلیس لباس شخصی بدون ارائه حکم بازرسی یا کارت هویت وارد منزل وی شد.<sup>[25]</sup>

با افزایش آزار عباس توسط وزارت داخله، این وزارت خانه به تنظیم پرونده اتهامات علیه وی پرداخت. او در نوامبر ۲۰۰۹ به شش ماه زندان و پانصد پوند جریمه به خاطر "تخریب و سوء استفاده از کابل اینترنتی" محکوم شد.<sup>[26]</sup> در فوریه ۲۰۱۰ دادگاه تجدیدنظر اتهامات وی را رد کرد اما ماه بعد او همان حکم را دریافت کرد، این بار برای "فراهم کردن خدمات ارتباطی برای مردم بدون مجوز."<sup>[27]</sup>

عباس، علی رغم آزار همیشگی، در تعهد خویش به افزایش آگاهی مصریان از نقض حقوق بشر استوار ماند. عباس از وبلاگ نویسی به نحو ناشناس برای حفاظت از خود سر باز زد؛ او از نام خود برای "تشویق مردم به پیوستن به جمع وبلاگ نویسان" استفاده می کند. "من می خواهم آن ها بدانند که ما کی هستیم، و این که ما اینجا هستیم ... در مصر، و ما نمی ترسیم."<sup>[28]</sup>

## پیام و مخاطب



پس از راه اندازی وبلاگ شخصی، عباس می خواست با جوانان مصر ارتباط برقرار کرده و این پیام را به آن ها انتقال دهد که نقض حقوق بشر مصریان پذیرفته نیست. عباس مخاطبان اصلی خود را "جوانانی می داند که نمی توانند یک زندگی شرافتمندانه در مصر داشته باشند."<sup>[29]</sup> او می خواست جوانان مصری با تحصیلات نه چندان زیاد و علاقه اندک به سیاست را جذب کند و از این جهت نوشتن به زبان عربی روزمره را در مقابل زبان رسمی که در مدارس تدریس می شود برگزید. این امر وبلاگ وی را برای مصریان بدون تحصیلات بالا قابل دسترس ساخت.

همان طور که عباس می گوید "من سعی می کنم بر حسب دانش آن ها با ایشان سخن بگویم ... و به آن ها بگویم که اولاً ما آن ها را درک می کنیم و دوم آن که ما به مکالمه با شما علاقه مند هستیم. نگذارید آن ها احساس ترس پیدا کنند، نگذارید فکر کنند که شما نخبه گرا هستید."<sup>[30]</sup> عباس به خاطر سبک غیر رسمی و اغلب عرفی نوشته هایش شناخته شده است و

معتقد است این سبک "حقیقتاً همان چیزی است که مردم را به تعامل و درک و جذب آنچه من می گویم تحریک می کند." [31]

اولین موفقیت عمده وبلاگ نویسی عباس در ۲۵ مه ۲۰۰۵ رخ داد، روز همه پرسى در مورد قانون اساسى مصر. آن روز صبح، پلیس لباس شخصی و اوباش مزدور، معترضان آرام و یک روزنامه نگار را کتک زدند و به آن ها حملات جنسى کردند. [32]

عباس توانست از این رخدادها عکس بگیرد و حتی با یکی از اوباش مصاحبه کند. این فرد به توصیف چگونگی پرداخت پول توسط نیروهای امنیتی به آن ها و آوردن آن ها با اتوبوس از محلات فقیر همراه با دیگران جهت بر هم زدن اعتراضات پرداخت. [33]

پس از توصیف همه چیز در وبلاگ خود، عباس یک و نیم میلیون دیدار از پایگاه خود در دو روز دریافت کرد؛ این داستان به رسانه های خبری سنتی گسترش یافت و روزنامه های محلی چندین ماه در مورد این رسوایی مطالبی منتشر کردند. [34]

عباس در اواخر ۲۰۰۶ دو داستان منتشر کرد که به سرعت به دو رسوایی بزرگ سال مبدل شدند. اولین واقعه در اواخر اکتبر در روز عید فطر یا پایان ماه رمضان رخ داد. دسته ای از اوباش پس از پی بردن به فروش بلیط های یک فیلم در سالنی در مرکز قاهره به گیشه آن حمله کردند؛ آن ها زنان را در آن محدوده محاصره کرده، روی بدن های آن ها افتاده، لباس هایشان را پاره کردند و کسانی را که تلاش داشتند بگیرزند تعقیب کردند. [35] در این حال، افراد پلیس ایستاده و تماشا کردند و حتی جهت مداخله تلاشی صورت ندادند. وقتی برخی از ناظران از آن ها خواستند که کاری انجام دهند پلیس پاسخ داد، "می خواهید چه کنیم؟ روز عید است. عید شما هم مبارک." [36]

عباس در آن زمان در همان محل بود و عکس هایی از اوباش و پلیس نظاره گر گرفت؛ او سپس عکس ها را در وبلاگش گذاشت و گزارش شاهدان از آنچه گذشته بود را بیان کرد. وبلاگ نویسان دیگری نیز مطالبی در مورد "جنون جنسى" رخ داده منتشر کردند. در همین حال رسانه های سنتی موضوع را نادیده گرفتند و ایستگاه های پلیس از قبول گزارش از زنانی که مورد حمله واقع شده بودند خود داری کردند.

اما سه روز بعد یک وبلاگ نویس در برنامه ساعت ۱۰ شب در شبکه خصوصی "رویا" همه ماجرای حملات جنسى را برای میزبان تعریف کرد و موضوع را به اطلاع عموم رساند. شب بعد همین برنامه گزارشی ویژه در مورد این رخداد شامل مصاحبه با یکی از وبلاگ نویسان شاهد عینی و عکس های عباس پخش کرد.

پس از آن، انکار ماجرا ممکن نبود و ماجرا در سراسر مصر و خاورمیانه و بعداً در سراسر جهان پخش شد. مصریان آن چه را که رخ داده بود و علت آن را به بحث گذاشتند، منتقدان حکومت به غفلت پلیس حمله کردند و زنان تظاهراتی علیه آزار جنسى برگزار کردند. روزنامه مستقل المصرى الیوم در پرداختن به ماجرا نقش پیشگام را بر عهده گرفت و مطبوعات دولتی را مجبور کرد این داستان را پوشش دهند، گرچه همراه با انکارهایی از سوی وزارت داخله. به خاطر تلاش عباس و وبلاگ نویسان دیگر یک گفتگوی ملی در مورد آزار جنسى یعنی موضوعی که همواره در جامعه مصر تابو بوده به راه افتاد.

جدا از پوشش حملات جنسى عید فطر، عباس برای آثارش در مورد قساوت پلیس و ویدیوهایی که پلیس را در حال کتک زدن و شکنجه مظنونان نشان می دهد، شناخته شده است. بدنام ترین این ویدیوها ویدیویی بود که او در نوامبر ۲۰۰۶ بر روی پایگاه اینترنتی خود گذاشت و جامعه مصر را تکان داد.

عماد الکبیر، یک راننده مینی بوس ۲۱ ساله در ژانویه ۲۰۰۶ در یک ایستگاه پلیس در شهر الجیزه به اتهام تلاش برای کمک به نجات یکی از بستگان خود از ضرب و شتم پلیس های لباس شخصی بازداشت شده بود. [37] افراد پلیس در ایستگاه مزبور به شدت وی را شکنجه کرده و به او حملات جنسى کردند در حالی که این حملات را با تلفن همراه خود ضبط و ویدیویی می کردند. پس از آزادی الکبیر از زندان، او دریافت که این ویدیو در میان همکاران راننده اش توزیع شده است، با این هدف که او را بیش از این تحقیر کرده و رانندگان دیگر را برای پرداخت "جریمه" به پلیس مرعوب سازند. پلیس به طور معمول تحت عنوان جریمه از رانندگان باج گیری می کرده است. [38]

عباس پس از دریافت ویدیو از یکی از وبلاگ نویسان مصری به نام محمد خالد آن را در پایگاه بیداری مصر گذاشت. عباس ماه ها داستان مربوطه را در حالی که در رسانه‌های مستقل دنبال می شد پی گرفت؛ پس از دستگیری دو تن از مأموران پلیس او این عمل را به عنوان "موفقیتی بزرگ برای وبلاگ نویسها و مطبوعات عامه پسند" ستایش کرد اما تاکید کرد که "این فقط آغاز ماجراست ... و بازداشت شدگان فقط کسانی هستند که کار آن ها رو شده است؛ شکنجه [مخالفان] سیاسی و مجرمان ادامه دارد." [39] عباس محکوم شدن این افراد به سه سال زندان را با "شعف بسیار" خوش آمد گفت. او گفته است که این تجربه نمایانگر رهیافت وی به وبلاگ نویسی است. [40]

عباس می گوید به دلیل کار خود در آگاهی رسانی در مورد قضیه الکبیر، شکنجه پلیس که پیش از این با بی تفاوتی مورد پذیرش عموم قرار می گرفت کمتر مقبول واقع شد "چون مردم دارند در مورد آن صحبت می کنند ... مشکل کاملا حل



نشده اما مردم آگاه شدند ... آنان به افشای این نوع شکنجه بیشتر خور کرده‌اند." [41]

نصر امین، وکیل الکبیر می گوید، "هزاران شکایت شکنجه در برابر بازپرسان قرار گرفته است ... اما به هیچ جا نرسیدند. وبلاگ نویسان شرایط را تغییر دادند." [42]

عباس در ابتدا بر ارتباط گیری با جوانان متمرکز بود، اما با گذشت زمان مخاطب بیشتری را جذب کرد. عباس با افتخار در این مورد می گوید: "من پی بردم که مردم در همه سنین به وبلاگ من سر می زنند و با آن تعامل دارند." [43] امروز بیداری مصر ماهانه بیش از یک میلیون خواننده دارد، که ۶۲ درصد آن ها مصری هستند. [44]

عباس همراه با وبلاگش از پایگاه‌های اینترنتی اجتماعی مثل یوتیوب، توئیتر و فیس بوک برای ایجاد ارتباط با حامیانش استفاده می کند. پس از مورد حمله واقع شدن وی و مادرش در سال ۲۰۰۹، او از تلفن همراه خود برای به روز کردن توئیترش در مورد وضعیت خود در جاهای مختلف استفاده کرد، حتی از ایستگاه پلیسی که وی برای گزارش جنایت به آنجا رفته بود. هواداران وی، این اخبار را به وبلاگ‌ها و سپس به رسانه‌های سنتی محلی و بین‌المللی نشر دادند تا حمله دولت به عباس در این اخبار به اطلاع عموم برسد. [45]

### فعالیت‌های فراگستر

عباس از طریق وبلاگ نویسی به پیروزی‌هایی دست یافته که در آغاز کار حتی نمی توانست آن ها را تصور کند؛ او جایزه هلمن همت ۲۰۰۸ را از دیده بان حقوق بشر دریافت کرد؛ سی ان ان وی را فرد سال ۲۰۰۷ در خاورمیانه اعلام کرد؛ او اولین وبلاگ نویسی است که جایزه شوالیه بین‌المللی را از سوی کمیته بین‌المللی روزنامه نگاران در سال ۲۰۰۷ دریافت کرد.

عباس با نفوذ ترین وبلاگ نویس سیاسی مصر شناخته می شود و به همین دلیل تاثیر زیادی بر پوشش اخبار در داخل کشور در برابر آنچه بسیاری تصور می کنند، دارد. [46] درست است که فقط درصد اندکی از مصریان به اینترنت دسترسی دارند اما تاثیر عباس فقط به آن ها که وبلاگش را می خوانند محدود نمی شود. نوشته‌های وی تاثیرات با واسطه نیز دارند و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و مطبوعات از مطالبی که وی گزارش می دهد تاثیر می پذیرند.

عباس بدون توجه به دشواری‌هایی که داشته هیچ افسوسی برای ورود به عرصه وبلاگ نویسی نمی خورد: " حذاقل مردم به من احترام می گذارند و مردم می دانند که من دارم کاری خوب انجام می دهم... که ممکن است در نهایت به تحول منجر شود."<sup>[47]</sup>



## News & Analysis

- [Abbas, Wael. "Big Brothers." Slate 14 May 2007.](#)
- [Abbas, Wael. "Help Our Fight For Real Democracy." The Washington Post 27 May 2007.](#)
- [Abbas, Wael. "Home Page." Egyptian Awareness blog \(Arabic\).](#)
- [Abbas, Wael. Twitter account \(mostly in Arabic\).](#)
- [Abbas, Wael. YouTube account \(mostly in Arabic\).](#)
- [Arya, Sarika and Meredith Morrison. "\(Actually\) In Conversation with: Wael Abbas." The Yale Journal of Human Rights blog, 23 July 2009.](#)
- [El-Jesri, Manal. "Free For All." Egypt Today 28:2 \(Feb. 2007\).](#)
- [El-Katatney, Ethar. "Wael Abbas Interview." Egypt Today 29:7 \(July 2008\).](#)
- [Isherwood, Tom. "A new direction or more of the same?" Arab Media & Society 6 \(Fall 2008\).](#)
- [Petrou, Michael. "The Interview: Wael Abbas." MacLeans 13 Oct. 2009.](#)

## Video

- [Amos, Deborah. "Blogging and Tweeting, Egyptians Push for Change." NPR Morning Edition. 26 Aug. 2010.](#)
- ["Egyptian Blogger Wael Abbas." BBC HardTalk. 13 Jan. 2010.](#)
- ["Listening Post: Egyptian Blogosphere – Wael Abbas." Al Jazeera English. 9 Oct. 2009.](#)
- ["Report on User-Generated Content in the Middle East." CNN. 3 Nov. 2007.](#)
- <sup>[1]</sup> [Malinowski, Tom. "The Mubarak Test." Human Rights Watch, 13 May 2009.](#)
- <sup>[2]</sup> [Abbas, Wael. "Help Our Fight For Real Democracy." The Washington Post 27 May 2007.](#)
- <sup>[3]</sup> Ibid.
- <sup>[4]</sup> [El-Katatney, Ethar. "Wael Abbas Interview." Egypt Today 29:7 \(July 2008\).](#)
- <sup>[5]</sup> [El-Jesri, Manal. "Free For All." Egypt Today 28:2 \(Feb. 2007\).](#)
- <sup>[6]</sup> [Abbas, Wael. "Acceptance speech at ICFJ award dinner." YouTube, 19 Dec. 2007.](#)
- <sup>[7]</sup> El-Jesri.
- <sup>[8]</sup> Abbas. "Help Our Fight For Real Democracy."
- <sup>[9]</sup> El-Katatney.
- <sup>[10]</sup> El-Jesri.
- <sup>[11]</sup> [Arya, Sarika and Meredith Morrison. "\(Actually\) In Conversation with: Wael Abbas." The Yale Journal of Human Rights blog, 23 July 2009.](#)
- <sup>[12]</sup> El-Katatney.
- <sup>[13]</sup> Arya and Morrison.
- <sup>[14]</sup> Ibid.
- <sup>[15]</sup> [Committee to Protect Journalists. "10 Worst Countries to be a Blogger." 30 April 2009.](#)
- <sup>[16]</sup> ["NOW Transcript – Show 314." PBS. 6 April 2007.](#)
- <sup>[17]</sup> El-Katatney.
- <sup>[18]</sup> Arya and Morrison.
- <sup>[19]</sup> [Shadid, Anthony. "Egypt shuts door on dissent as U.S. officials back away." The Washington Post 19 March 2007.](#)
- <sup>[20]</sup> [Abbas, Wael. "Big Brothers." Slate 14 May 2007.](#)

- [IRIN. "Egypt: Sexual harassment laws weak, say activists." Reuters AlertNet 9 Nov. 2006.](#)
- <sup>[21]</sup> [Sherif, Ahmad. "Egyptian police intimidation of Wael Abbas \(video\)." Ahmad Sherif Project blog, 2 July 2007.](#)
- <sup>[22]</sup> [Abdel Dayem, Mohamed. "Middle East Bloggers: The Street Leads Online." Committee to Protect Journalists, 14 Oct. 2009.](#)
- <sup>[23]</sup> [Atef, Noha. "Egypt: A Blogger Attacked in His House." Global Voices Advocacy, 9 April 2009.](#)
- <sup>[24]</sup> [Atef, Noha. "Egypt: Blogger Wael Abbas Sentenced to Jail. Another Still in Prison Despite Judicial Release Order." Global Voices Advocacy, 23 Jan. 2010.](#)
- <sup>[25]</sup> [Amer, Pakinam. "Police raid home of prominent blogger." Al Masry Al Youm English 13 Dec. 2009.](#)
- <sup>[26]</sup> ["Protests over case against Egyptian blogger Wael Abbas." BBC News 12 March 2010.](#)
- <sup>[27]</sup> [Ibid.](#)
- <sup>[28]</sup> ["Listening Post: Egyptian Blogosphere – Wael Abbas." Al Jazeera English. 9 Oct. 2009.](#)
- <sup>[29]</sup> [Al Tamimi, Jumana. "Egyptian blogger first to win award." Gulfnews 30 Aug. 2007.](#)
- <sup>[30]</sup> [Arya and Morrison.](#)
- <sup>[31]</sup> [Ibid.](#)
- <sup>[32]</sup> [McGrath, Cam. "Rights-Egypt: Bloggers Name and Shame Torturers." Inter-Press Service 21 Dec. 2009.](#)
- <sup>[33]</sup> [Abbas. "Help Our \[Fight\]\(#\) For Real Democracy."](#)
- <sup>[34]</sup> [Ibid.](#)
- <sup>[35]</sup> [Abdelhadi, Magdi. "Cairo street crowds target women." BBC News 1 Nov. 2006.](#)
- <sup>[36]</sup> ["The Eid sexual harassment incident." Rantings of a Sandmonkey blog, 30 Oct. 2006.](#)
- <sup>[37]</sup> [El-Hamalawy, Hossam. "Victim of police rape video identified." Arabist blog, 9 Dec. 2006.](#)
- <sup>[38]</sup> [Nkrumah, Gamal. "El-Kebir vindicated." Al-Ahram Weekly 870 \(8-14 Nov. 2007\).](#)
- <sup>[39]</sup> [Abbas, Wael. "El Qabd Ala Dubbat El Taazib." El Wa'i El Masry, 25 Nov. 2006.](#)
- <sup>[40]</sup> [Abbas, Wael. "Ya Reitni Kunt Maahom Fi Natq El Hokm Ala Islam Nabih." El Wa'i El Masry, 7 Nov. 2007.](#)
- <sup>[41]</sup> [Arya and Morrison.](#)
- <sup>[42]</sup> [Witness. "Egyptian Internet Torture Video Shakes Police Sense of Impunity." The Hub, 7 Nov. 2007.](#)
- <sup>[43]</sup> [Al Tamimi.](#)
- <sup>[44]</sup> [El-Katatney.](#)
- <sup>[45]</sup> [PeaceWork. "Egyptian Activist Twitters to Freedom: Wael Abbas Used Cell Phone from Custody to Mobilize Support." PeaceWork Magazine 395 \(May 2009\).](#)
- <sup>[46]</sup> [Isherwood, Tom. "A new direction or more of the same?" Arab Media & Society 6 \(Fall 2008\).](#)
- <sup>[47]</sup> ["Egyptian Blogger Wael Abbas." BBC HardTalk. 13 Jan. 2010.](#)